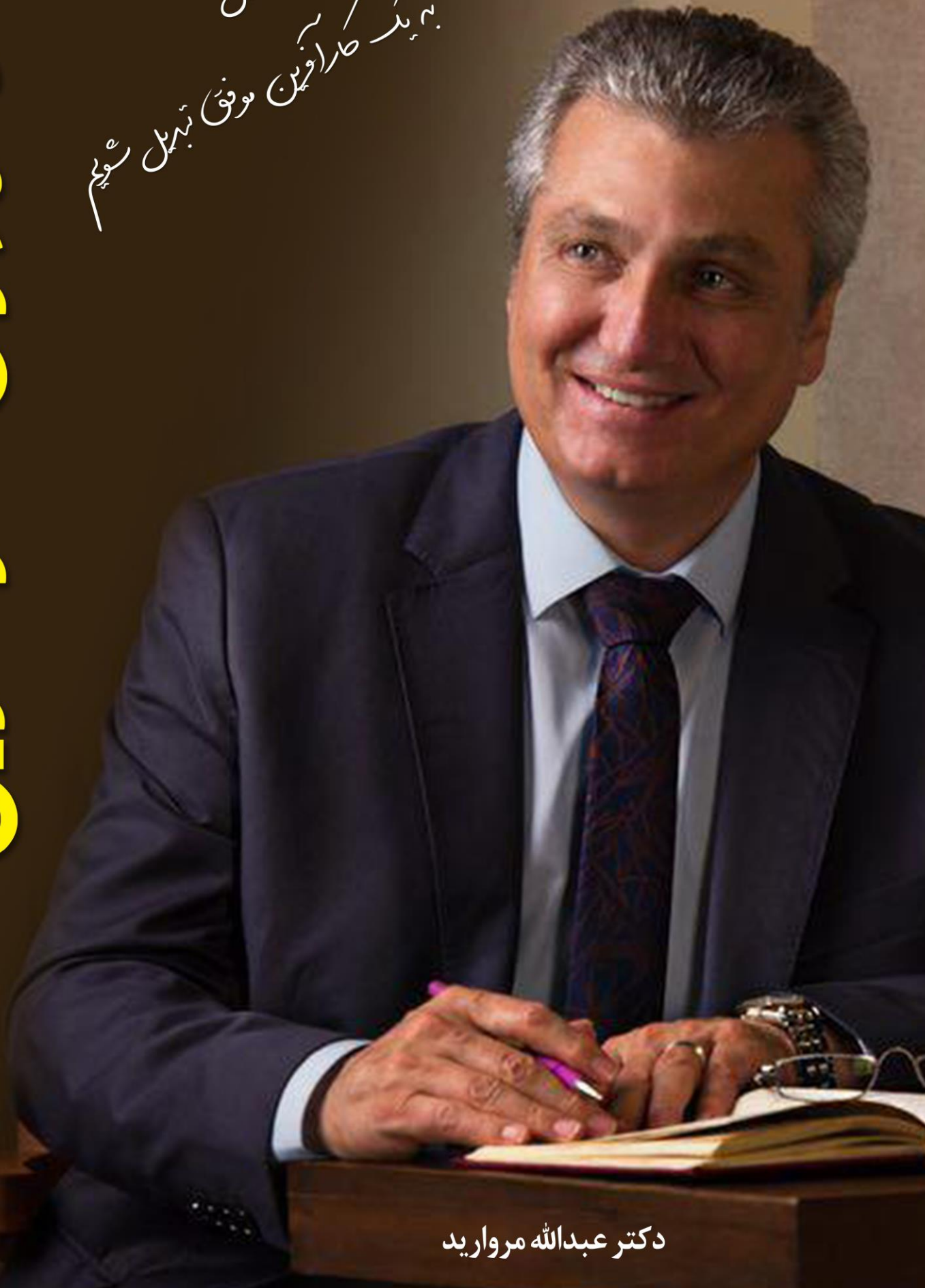


دانشخه آموزان کارآفرین

کلفونه در دوران تحصیل
به یاد کارآفرین موفقی تبدیل شه



دکتر عبدالله مروارید

دانش آموزان کارآفرین



فهرست

- پیش درآمد..... ۵
- فصل اول..... ۸
- از کجا شروع کنم؟..... ۸
- گام نخست: انتخاب هدف..... ۹
- نکته اول: اهمیت هدف..... ۱۲
- نکته دوم: اهمیت خودشناسی..... ۱۵
- ویژگی‌های هدف مناسب..... ۱۷
- ۱- هدف باید متناسب با توانایی‌ها و علایق فرد باشد:..... ۱۷
- ۲- هدف باید پویا باشد نه ثابت و دست یافتنی:..... ۱۸
- ۳- هدف زندگی باید عام‌المنفعه باشد:..... ۲۱
- پیش به سوی هدفمندی..... ۲۲
- با تغییر نگرش، زندگی خود را دگرگون کنید..... ۲۶

دانش آموزان کارآفرین



- نگرش چیست ۲۸
- ارتباط نگرش با موفقیت در عرصه کارآفرینی ۲۹
- نگرش‌های غلط را شناسایی و اصلاح کنیم ۳۲
- نگرش‌های غلط را اصلاح کنیم ۳۶
- ۱- شخصیت: ۳۷
- راهکار اول اصلاح نگرش: ۳۷
- ۲- محیط و جامعه: ۳۸
- راهکار دوم اصلاح نگرش: ۳۹
- راهکار سوم اصلاح نگرش‌های غلط: ۴۰
- ۴- خودشناسی: ۴۱
- راهکار چهارم اصلاح نگرش: ۴۱
- ۵- تصمیمات: ۴۲
- راهکار پنجم اصلاح نگرش: ۴۲
- تغییر در مسیر کارآفرینی ۴۵
- ۱- شیوه انتخاب و تصمیم‌سازی: ۴۶
- ۲- شیوه رفتار با انسان‌ها: ۴۷

دانش آموزان کارآفرین



- ۴۹..... ۴- فرصت‌سنجی:
- ۵۲..... ۵- تحقیق و مطالعه:
- ۵۳..... ۶- خلاقیت و نوآوری:
- ۵۴..... آفریننده باشید
- ۵۵..... خلاقیت چیست؟.....
- ۵۷..... فرایند خلاقیت
- ۶۰..... ویژگی‌های افراد خلاق
- ۶۰..... ۱- هوش پرورش یافته:
- ۶۱..... پرهیز از دُغم بودن و انجماد فکری:
- ۶۲..... جامع اندیشی:
- ۶۳..... تفکر پویا:
- ۶۴..... ابتکار:
- ۶۴..... استقلال فکری:
- ۶۵..... اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری:
- ۶۵..... بلندپروازی معقول:

دانش آموزان کارآفرین



پیش درآمد

اگرچه متأسفانه در فرهنگ جامعه ما، بزرگسالان خیلی نوجوانان و جوانان را جدی نمی‌گیرند و معمولاً به سختی حاضر می‌شوند توانمندی‌های شگرف آنان را باور کرده و عرصه را برای تجربه‌آموزی و درخشش تلاش و استعدادشان باز بگذارند، اما این بدان معنا نیست که واقعاً دانش‌آموزان ایرانی که هر یک گنجینه‌ای بی‌بدیل و ارزشمند از استعدادها و ظرفیت‌های درونی را دار هستند، نتواند خودشان از طرق مختلف از جمله کارآفرینی، لیاقت و شایستگی خود را به نمایش بگذارند و با خلق آثار و عملکردهای فوق‌العاده، زندگی خود و دیگران را به شکل محسوسی بهبود بخشند.

در این کتاب روی صحبتیم به شما دانش‌آموزان عزیز است که هم‌اکنون در دوران تحصیل و کسب دانش به سر می‌برید، علیرغم تمام محدودیت‌ها و کمبودها و با وجود تمام مشکلات و موانع، با توکل به خدا و تکیه بر استعدادها و توانمندی‌های درونی خود و البته با تفکر و خلاقیت، می‌توانید راهایی را به سوی موفقیت و تعالی خلق کنید که در نهایت زمینه شکوفایی ظرفیت‌های شگرف درونی‌تان، بهبود زندگی خودتان و بهبود کیفیت زندگی اجتماعی تمامی ایرانیان و حتی مردم جهان را به دنبال داشته باشد.

دانش آموزان کارآفرین



برای نیل به این مقصود کافی است خود را باور کنید و با درپیش گرفتن راهی صحیح و البته تعهد و سخت‌کوشی، نگرش غلط جامعه به خود را تغییر داده و جایگاه و اعتباری درخشان را برای خویش رقم بزنید.

یکی از حوزه‌های مهمی که می‌تواند موفقیت‌های بزرگی را در مسیر راه شما قرار دهد، کارآفرینی و ورود خلاقانه و هوشمندانه به کسب و کارهای مختلف است.

کارآفرینی بدان معناست که شما با خلاقیت و ابتکار، روش‌های کاری سنتی و کم‌بازده فعلی را کنار بزنید و به جای آنها، راهکارهایی طلایی، هوشمندانه و اثربخش‌تر را طراحی کنید و به کار گیرید.

کارآفرینی بدین معناست که شما از نگرش بهتر و مدرن‌تر خود به زندگی و فعالیت‌های مختلف (نسبت به بزرگسالان، مربیان و والدین)، از انگیزه و اشتیاق بی‌نهایت دوران نوجوانی و جوانی و البته قدرت بالای ذهن خلاق این مرحله از زندگی خود به خوبی بهره‌گیرید تا بتوانید نوآوری‌های شگرفی را در عرصه‌های مختلف کسب و کار خلق کرده و بدین واسطه محصولات و خدمات بهتری را به جامعه عرضه کرده و برای خود ثروت، اعتبار و پختگی را به ارمغان بیاورید.

قصد و نیت بنده از نگارش این کتاب آن است که به شما نوجوانان عزیز کمک کنم بر ترس‌ها و نگرانی‌های خود غلبه کنید و با یادگیری رموز و نکات طلایی در حوزه کارآفرینی به موفقیت‌های شگرفی دست یابید.

دانش آموزان کارآفرین



به یاد داشته باشید که انسان‌های بزرگ و موفق و کسانی که به چهره‌هایی برجسته و بی‌بدیل در دنیا و تاریخ تبدیل شده و نامی جاودان از خود به جای گذاشته‌اند، افرادی ثروتمند و متمول نبوده‌اند که دست تقدیر بهترین امکانات و شرایط را در اختیارشان گذاشته باشد.

بلکه اغلب افرادی از طبقه پایین و یا متوسط جامعه بوده‌اند که به جای بهانه‌تراشی و توجیه‌گری، آستین‌های خود را بالا زدند و از توان بالای ذهنی خود برای خلق راه‌های جدید و مبتکرانه و شکستن سدهای ناامیدی و ناتوانی بهره گرفته‌اند.

ما نیز در این کتاب بر آن هستیم که شما با شیوه نگرش، الگوی فکری و ذهنی و همچنین الگوهای رفتاری افراد موفق آشنا کنیم تا انشاءالله بتوانید با بکارگیری نکات مطرح شده و الگوبرداری از شیوه تفکر و زندگی افراد موفق، به انسان‌هایی بزرگ که دارای اهدافی متعالی هستند و هر اقدام‌شان به بهبود زندگی کل انسان‌ها منجر می‌شود، تبدیل شوید.

دکتر عبدالله مروارید

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی

دکترای اقتصاد رفتاری

دانش آموزان کارآفرین



فصل اول

از کجا شروع کنم؟

هر کاری یک گام نخست و ابتدایی دارد که در واقع ستون و بن‌مایه تمام مراحل انجام آن کار می‌شود و مسیر حرکتی و تمامی اقدامات بعدی را مشخص می‌کند. برای مثال اگر شما بخواهید به یک سفر بروید، گام اول و نخست شما این است که مقصد خود را مشخص کنید و تعیین نمایید که با توجه به بودجه و امکاناتی که دارید کدام شهر یا منطقه را می‌خواهید به عنوان مقصد خود انتخاب نمایید.

در مسیر کارآفرینی نیز شما باید گام اول را درست و منطقی بردارید تا کلیه تلاش‌ها و اقدامات بعدی‌تان در این حوزه محکم و صحیح باشد و شما را به موفقیت و سرافرازی رهنمون سازد.

اما گام اول کارآفرینی چیست؟ چه اقدامی می‌تواند بن‌مایه و اساس حرکت ما در این مسیر باشد. پاسخ این سوال خیلی ساده است: تعیین هدف.

دانش آموزان کارآفرین



گام نخست: انتخاب هدف

هر شخصی در زندگی اگر خواستار سعادت و کامیابی است، اگر می‌خواهد موفق و پیروز باشد و اگر می‌خواهد اسیر ناامیدی‌ها، حسرت‌ها و سرخوردگی‌ها نشود، باید برای خود هدفی بزرگ و متعالی داشته باشد.

نکته مهم اینکه، هدفی می‌تواند هدف ارزشمند و شایسته باشد که بزرگ و ارزش آفرین بوده و به کلیت زندگی، فعالیت‌ها و تمامی اقدامات یک فرد جهت و معنا دهد. از این رو اگر تصور می‌کنید هدف زندگی می‌تواند مواردی در دسترس و نسبی مثل ثروتمند شدن، مدارک عالی دانشگاهی گرفتن، خرید خانه یا ویلایی خاص و بسیار گران‌قیمت و ... باشد، سخت در اشتباه هستید و باید نگرش خود را نسبت به هدف و هدفمندی در زندگی تغییر دهید.

در واقع ثروتمند شدن، معتبر شدن، فارغ التحصیل شدن، ازدواج و مثال‌هایی از این دست، نه هدف زندگی، بلکه مراحل از زندگی هستند که فرد در مسیر دستیابی به چشم‌انداز اصلی خود باید آنها را کسب کرده و به دست آورد.

کسی که هدف خود را ثروتمند شدن گذاشته، بعد از کسب ثروت دچار سردگمی و بی‌هدفی شده و یاس و ناامیدی تمام ذهنش را اشغال می‌کند. کسی که به دنبال معروف شدن یا معتبر شدن است بعد از دستیابی به این خواسته‌ها، احساس می‌کند که زندگی‌اش دیگر معنا و مفهوم چندانی ندارد.

شاید اکنون که این مطلب را می‌خوانید در ذهن خود بگویید:

دانش آموزان کارآفرین



«من اگر ثروتمند شوم باقی سال‌های عمرم را وقف تفریح و خوشگذرانی می‌کنم و از زندگی به معنای واقعی کلمه و به نهایت لذت می‌برم.»

اما اجازه دهید با ذکر دو مثال نشان دهیم که باورهایی از این دست چقدر می‌تواند اشتباه باشد.

جان راکفلر، یکی از بزرگترین ثروتمندان دنیا بود که زمانی او را پولدارترین مرد آمریکا می‌نامیدند و حتی در بسیاری از کشورها از نامش به عنوان نماد پولداری استفاده می‌کردند. مثلاً اگر کسی می‌خواست به کسی طعنه بزند که وضعی‌اش خوب شده می‌گفت: "برای خودت یک پا راکفلر شدی!"

در دوران کهنسالی خبرنگاری از راکفلر پرسید: «جان چه مقدار پول و ثروت تو را راضی می‌کند؟» و او در پاسخ آهی کشید و گفت: «فقط کمی کمتر از آنچه امروز دارم.»

در واقع انسانی‌هایی مثل راکفلر که به معنای واقعی در ثروت و پول غرق شده‌اند می‌دانند که ثروت به خودی خود هیچ ارزشی ندارد و به تنهایی نمی‌تواند به زندگی انسان معنا دهد. بله، امروز شما برای تفریح کردن و خوشگذرانی نیاز به پول دارید. اما تفریح و سرگرمی وقتی لذت‌بخش است و معنا پیدا می‌کند که شما در مسیر هدف‌تان تلاش کرده و خسته باشید و به واسطه یک سفر، یک مهمانی یا ... خستگی را از تن خود بزدايید و انرژی‌های خود را برای کار و تلاش بیشتر در مسیر هدف‌تان بازسازی کنید.

دانش آموزان کارآفرین



در ارتباط با اینکه شهرت و اعتبار هم نمی‌تواند هدف زندگی انسان باشد، مثال برجسته ای وجود دارد. در دهه‌های هشتاد و نود میلادی تیم ملی انگلستان بازیکن سرشناس و مشهوری داشت به نام پل گاسکوئین. بازیکنی برجسته و خلاق که حتی سال‌ها کاپیتان تیم ملی انگلستان بود و در رده باشگاهی نیز موفقیت‌ها و قهرمانی‌های زیادی را کسب کرده بود.

قطعاً اذعان می‌کنید که شخصی مثل او به نهایت شهرت و اعتبار در جامعه و کشور خود و حتی در جهان دست یافته بود. اما خوب است بدانید که امروز، یعنی زمانی که بنده این کتاب را می‌نویسم، این بازیکن برجسته سابق به واسطه اعتیاد شدید به الکل و انجام کارهای هنجار شکن متعدد، نه تنها یک فرد موفق محسوب نمی‌شود، بلکه تمام ثروت و اعتبار خود را از دست داده و به عنوان یک انسان شکست خورده شناخته می‌شود.

پس اگر پول و ثروت و اعتبار و مدرک دانشگاهی یا حتی ریاست یک دانشگاه و ... هدف مناسبی برای زندگی نیستند، پس هدف زندگی چیست؟ ما چگونه می‌توانیم هدف مناسبی برای خود در زندگی تعیین کنیم؟

پیش از اینکه به این سوال مهم و حیاتی پاسخ دهیم باید دو نکته دیگر را که عدم آگاهی از آنان باعث می‌شود افراد دقت، تلاش و وسواس چندانی روی انتخاب هدف نداشته باشند و بدین واسطه در ادامه مسیر زندگی دچار مشکلات و سردرگمی‌های بسیار شوند، مورد بررسی قرار دهیم.

دانش آموزان کارآفرین



نکته اول: اهمیت هدف

همانطور که حتماً تا الان فهمیده‌اید، یکی از مهمترین دلایلی که باعث می‌شود، اغلب افراد دارای یک هدف مشخصی و ارزشمند نباشند، (هدفی که به زندگی و تمام فعالیت‌ها و اقدامات‌شان معنا می‌دهد)، آن است که تعریف و شناخت درستی از هدف زندگی ندارند.

در واقع اغلب افراد به واسطه عدم آشنایی با شیوه صحیح انتخاب هدف و ویژگی‌های یک هدف ارزشمند، مواردی را به عنوان اهداف زندگی‌شان انتخاب می‌کنند که در واقع مراحل از زندگی هستند و به واسطه اینکه بسیار شخصی و نسبی هستند، انگیزه‌های لازم را برای تلاش و موفقیت در آنان ایجاد نمی‌کند.

برای مثال شخصی را در نظر بگیرید که هدفش پولدار شدن است. این هدف هم یک هدف نسبی است بدین معنا که مشخص نمی‌کند چقدر پول به دست آوردن به معنای پولدار شدن است، هم اینکه به شدت شخصی است، در واقع این هدف تعیین نمی‌کند که فرد در ارتباط با دیگران چه کارهایی را باید انجام دهد.

حال اجازه دهید بررسی کنیم که انتخاب چنین هدف اشتباهی چه رهاوردی می‌تواند داشته باشد:

* چون فرد پولدار شدن را به عنوان هدف انتخاب کرده هرچقدر هم که ثروت و پول به دست آورد، باز طمع و ولع بیشتری برای کسب پول دارد و از آنجایی که پول به تنهایی و به خودی خود لذت، سعادت و ارزشمندی را برای او به همراه

دانش آموزان کار آفرین



ندارد، فرد بعد از مدتی دچار سرخوردگی می‌شود (چه در مسیر کسب پول موفق باشد و چه نباشد) و احساس می‌کند همیشه چیزی در زندگی‌اش کم است.

* فردی که پولدار شدن را به عنوان هدف خود قرار داده، از آنجایی که فقط به خود فکر کرده و هدفی شخصی را انتخاب کرده است، برای رسیدن به خواسته خود ممکن است دست به هر اقدامی بزند، از جمله کلاهبرداری، دزدی، خیانت یا حتی آسیب رساندن به دیگران.

حتماً شما هم فیلم‌های بسیاری را در ارتباط با زندگی خلافکارانی که برای به دست آوردن پول حتی حاضر به کشتن دیگران، آسیب رساندن به کودکان و کهنسالان و حتی آسیب رساندن به طبیعت هستند دیده‌اید.

از سوی دیگر افرادی نیز که هیچ هدف مشخصی برای خود انتخاب نکرده‌اند، از آنجایی که نمی‌دانند از زندگی چه می‌خواهند و به چه سمتی می‌خواهند حرکت کنند، بعد از مدتی دچار سردرگمی و آشفتگی شده و اصطلاحاً به روزمره‌گی دچار می‌شوند.

بدین معنا که هر روزشان را به راحتی شب می‌کنند بی‌آنکه در آن روز کار مهم و خاصی در مسیر دستیابی به یک هدف ارزشمند انجام داده باشند. چنین افرادی نگرشی ناامیدانه به زندگی دارند و همیشه مدعی هستند که زندگی ارزش و جذابیت چندانی ندارد.

بنابراین چه انتخاب یک هدف اشتباه و چه نداشتن یک اشتباه، مشکلات و آسیب‌های زیادی را در پی دارد که زندگی یک فرد را دچار اختلاف کرده و او را

دانش آموزان کارآفرین



از کسب لذت، داشتن احساس آرامش و سعادت و همچنین احساس ارزش و اعتبار محروم می‌کند.

در مقابل داشتن یک هدف خوب و ارزشمند رهاوردهای بسیاری به همراه دارد که به صورت خلاصه به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

* داشتن هدف باعث می‌شود تمام اقدامات، تصمیمات و کارهای یک فرد در یک مسیر مشخص هماهنگ شده و بدین واسطه وی از درگیر شدن به سردرگمی و آشفتگی فکری نجات یابد.

* داشتن هدف ارزشمند باعث می‌شود فرد بدانند از زندگی چه می‌خواهد. بدین واسطه او به این راحتی‌ها در برابر سختی‌ها و مشکلات زندگی شکست نمی‌خورد و تسلیم نمی‌شود.

* داشتن هدف ارزشمند به زندگی انسان‌ها معنا می‌دهد و باعث می‌شود افراد از خودشان و زندگی‌شان احساس رضایت داشته باشند.

* داشتن هدف ارزشمند باعث می‌شود فرد خود را با خودش و عملکرد خودش بسنجد و از حسادت‌ها و سرخوردگی‌های حاصل از مقایسه خود با دیگران خلاصی یابد.

* داشتن هدف ارزشمند باعث می‌شود رابطه شما و زندگی‌تان با جامعه و دیگر انسان‌ها مشخص شده و شما به فردی مفید و اثربخش برای جامعه تبدیل شوید.

دانش آموزان کار آفرین



نکته دوم: اهمیت خودشناسی

نکته مهم و بسیار حساس دیگری که در فرایند انتخاب هدف باید به آن توجه کنیم که انتخاب هدف به صورت مستقیم به خودشناسی مرتبط است. بدین معنا که اگر فردی سلیق و خواسته‌ها و همچنین توانمندی‌ها و کمبودهای خود را به درستی شناسایی کرده باشد، می‌تواند هدفی مناسب، ارزش آفرین و انگیزه‌ساز برای خود تعیین کند.

برای مثال فردی را در نظر بگیرید که پدر و مادرش و اغلب اقوامش از نظر قدی، قدی کوتاه دارند و بدین واسطه مشخص است که او نیز از نظر ژنتیکی خیلی امکان اینکه قدی بلند داشته باشد را نخواهد داشت.

در این صورت اگر چنین فردی تصمیم بگیرد که مثلاً به یک دروازه بان برجسته و مشهور تبدیل شود، قطعاً از ابتدا در انتخاب هدف خود دچار اشتباه شده و شکست خود را از پیش رقم زده است. چراکه دروازه‌بانی حرفه‌ای است که نیازمند قد بلند است.

از سوی دیگر اگر کسی علایق و خواسته‌های واقعی خود را نشناسد، وقتی هدفی را تعیین می‌کند، به واسطه اینکه به احتمال زیاد مسیر دستیابی به این هدف و خود هدف خیلی تطابقی با علایق او ندارند، به واسطه مواجهه با مشکلات به سرعت دلسرد و ناامید می‌شود.

متأسفانه در کشور ما به دلیل اینکه سیستم آموزشی و خانواده‌ها، معمولاً اهدافی مورد نظر خود را به دانش‌آموزان تحمیل می‌کنند، اغلب دانش‌آموزان وقتی وارد

دانش آموزان کارآفرین



عرصه کار می‌شوند، تازه متوجه می‌شوند که خیلی به حوزه کاری خود علاقه ندارند و بدین واسطه انگیزه و رغبت چندانی نیز برای بروز تلاش و سخت‌کوشی و کسب موفقیت‌های بزرگ از خود نشان نمی‌دهند.

شما عزیزانی که در آستانه ورود به عرصه پرهیجان و جذاب کارآفرینی هستید، اگر می‌خواهید به موفقیت‌های شگرف دست یابید و به انسان‌های برجسته و تاثیرگذار تبدیل شوید، می‌بایست هدفی مناسب برای خود انتخاب کنید. هدفی که متناسب با توانایی‌های واقعی و البته خواسته‌ها، علایق و نیازهای درونی‌تان است. این مهم نیز در گرو خودشناسی است.

*خودشناسی یعنی آگاه شدن از توانایی‌ها و ضعف‌ها خود،
شناخت علایق و خواسته‌های خود و همچنین شناختن
احساسات و عواطف خویش.*

بنابراین وقتی شما به درستی خود را بشناسید، هدفی صحیح را انتخاب می‌کنید که مزایای زیر را به شما ارزانی می‌کند:

* خودشناسی باعث می‌شود هدف اصلی زندگی ما مطابق با توانایی‌های مان باشد. بدین واسطه در مسیر رسیدن به هدف ما همیشه می‌توانیم با تکیه بر توانایی‌های خود و البته تقویت آنها، بر تمام مشکلات و سختی‌ها غلبه کنیم.

* خودشناسی باعث می‌شود، هدف اصلی زندگی ما مطابق با خواسته و علاقه واقعی مان باشد. بدین واسطه هر قدمی که در این مسیر بر می‌داریم و هر فعالیتی که برای نیل به هدف مناسب‌مان بر می‌داریم، لذت و سرخوشی را برای

دانش آموزان کارآفرین



ما به همراه دارد و باعث می‌شود بتوانیم با روحیه و انگیزه بالا در برابر مشکلات و سختی‌ها قد علم کنیم.

ویژگی‌های هدف مناسب

۱- هدف باید متناسب با توانایی‌ها و علایق فرد باشد:

اگر کتاب اول بنده در این حوزه با عنوان «دانش‌آموز کارآفرین» را مطالعه کرده باشید، می‌دانید که حوزه کارآفرینی که شما عزیزان برای خود انتخاب می‌کنید باید مطابق با سلیقه و تمایلات درونی‌تان باشد.

برای مثال اگر به کارهای برقی و الکترونیکی علاقه دارید باید حوزه کارآفرینی-تان مرتبط با این علاقه باشد و اگر عاشق فضای مجازی و تکنولوژی‌های جدید هستید می‌توانید کسب و کاری در این حوزه برای خود راه‌اندازی کنید.

حال اگر هدف ارزشمند زندگی‌تان را نیز مطابق با خواسته و علاقه درونی خود انتخاب کنید، قطعاً در حوزه کارآفرینی می‌توانید اراده و تعهد بالایی را از خود نشان دهید، می‌توانید در برابر تمام مشکلات و دست‌اندازها، انگیزه خود را حفظ کنید و حتی بعد از شکست‌ها نیز، به جای خودخوری و ناامیدی، از اشتباهات خویش درس بگیرید و با بهبود عملکرد خود، سرعت حرکت‌تان در مسیر موفقیت را بیشتر کنید.

دانش آموزان کارآفرین



این اولین ویژگی یک هدف سازنده و ارزشمند است. هدفی که تمام انرژی‌های ما را فعال می‌کند و انگیزه‌های زیادی را برای حرکت مستمر و پرشتاب در مسیر موفقیت در ذهن‌مان ایجاد می‌کند.

۲- هدف باید پویا باشد نه ثابت و دست‌یافتنی:

اصولاً چیزی که روزی بتوان به آن دست یافت، مرحله‌ای از زندگی است، نه یک هدف متعالی برای زندگی. از این رو کسب مدرک، رسیدن به یک جایگاه علمی یا سیاسی، خریدن خانه، ویلا یا حتی یک جزیره نمی‌تواند یک هدف مناسب برای زندگی باشد.

بنابراین هر وقت در تعیین و تعریف هدف خود از عباراتی مثل این «می‌خواهم به فلان موقعیت برسم» یا «می‌خواهم «فلان چیز را به دست آورم»، استفاده کردید مطمئن باشید که هدف مناسبی را انتخاب نمی‌کنید.

اجازه دهید با ذکر یک مثال در حوزه کارآفرینی بحث را شفاف‌تر کنیم. آقای هنری فورد که در سال ۱۸۶۷ در کشور آمریکا به دنیا آمد و او را امروز به عنوان یکی از بزرگترین کارآفرینان، مخترعان و صنعتگران برجسته تاریخ می‌شناسند، در دوران کودکی و نوجوانی فهمید که به شدت به صنعت خودرو علاقه‌مند است. (در واقع از طریق خودشناسی، علاقه واقعی خود را شناخت). حتماً می‌دانید که او موسسه کارخانه و ابر برند خودروسازی برند است.

دانش آموزان کارآفرین



در آن زمان صنعت خودرو یک صنعت نوپا بود تنها معدود مخترعان و صنعتگرانی در جهان، آنهم در حجم و تعدادی بسیار کم، نسبت به اختراع و تولید یک اتومبیل اقدام می کردند.

فورد آنقدر عاشق این کار بود که به سرعت به عنوان تعمیرکار کارش را در این حوزه آغاز کرد و با مکانیزم‌های کاری خودرو و اجزای آن آشنا شد. او در همان زمان یک هدف ارزشمند را برای خود انتخاب کرد. هدفی که باعث شد در زندگی به موفقیت‌ها و دستاوردهای بسیار شگرفی دست یابد و زندگی مردم کشور خود و حتی دنیا را به شکل محسوسی بهبود بخشد.

به نظر شما هدفی که او برای خود تعیین کرد چه بود؟ آیا این بود که روزی یک کارخانه بزرگ خودروسازی درست کند؟ آیا این بود که یک خودرو خوب و خلاقانه بسازد؟

خیر. این موارد دست یافتنی هستند. هدف او چیز دیگری بود:

«من می‌خواهم کاری کنم که همه مردم عادی هم بتوانند روزی یک خودرو بخرند.»

چنین هدفی یک هدف پویا و ماندگار است و مرحله‌ای نیست که یک انسان بتواند به آن دست یابد. کما اینکه هنوز هم همه مردم نمی‌توانند برای خود خودرو بخرند.

دانش آموزان کار آفرین



شاید با خود بگویید وقتی یک هدف پویاست و هیچ‌گاه نمی‌توان به آن رسید، چرا باید اصلاً آن را انتخاب کرد؟ در پاسخ اجازه دهید باز هم به مثال هنری فورد باز گردیم.

روزی که فورد کار خود را به عنوان تعمیرکار اتوموبیل آغاز کرد، نه تنها اغلب مردم از خرید خودروهای گران‌قیمت آن زمان محروم بودند، بلکه حتی نمی‌توانستند درشکه (که با اسب حرکت می‌کرد) بخرند. اما روزی که هنری فورد مرد، اغلب مردم از قشر متوسط آمریکا، از نظر مالی می‌توانستند آخرین محصول شرکت فورد را خریداری کنند.

امروز نیز بسیاری در ادامه تلاش‌های امثال فورد کاری کرده‌اند که خودرو در دسترس همگان قرار دارد. چه شما خودرو را بخرید و چه به عنوان مسافر از سیستم حمل و نقل عمومی استفاده کنید.

بنابراین هدفی که شما انتخاب می‌کنید باید پویا و ماندگار باشد. باید هدفی باشد که تا آخرین لحظه زندگی به تمام اقدامات شما معنا دهد و همواره در تحقق آن باشید.

اجازه دهید با یک مثال ساده دیگر روش ماندگار کردن و پویا کردن یک هدف را مشخص کنیم.

فرد کنید علی شخصی است که به کار تولید مواد غذایی علاقه دارد و از این رو به عنوان کارآفرین وارد این حوزه می‌شود. هدف‌های نامناسب برای او می‌تواند

دانش آموزان کارآفرین



اینگونه باشد: من می‌خواهم بزرگترین کارخانه صنایع غذایی ایران یا آسیا را تاسیس کنم.

و اما هدف پویا و ماندگار چیزی شبیه این است: من می‌خواهم کاری کنم که تمام مردم کشور به غذاهای سالم و ارزان قیمت دسترسی داشته باشند.

۳- هدف زندگی باید عام‌المنفعه باشد:

شاید اگر با دقت مطالب بخش قبل را مطالعه کرده باشید، فهمیده باشید که تمام مثال‌هایی که بنده از اهداف ارزشمند ذکر کردم در یک بُعد مشترک هستند: همگی می‌خواهند به مردم و جامعه کمک کنند و وضعیت زندگی دیگران را نیز بهبود بخشند.

در واقع هدفی ارزشمند و متعالی است و می‌تواند به زندگی شما معنا و ارزش بدهد، که صرفاً به خواسته‌ها و تمایلات شخصی‌تان محدود نشود و خیر و صلاح همگان را در بر بگیرد.

یک هدف ارزشمند مانند بذری است که فرد در دل زمین می‌کارد و با حرکت در مسیر نزدیک شدن به آن، در واقع از بذرش مراقبت می‌کند تا از دل زمین بیرون آید، رشد کند و روزی به درختی تنومند تبدیل شود که همگان می‌توانند از میوه‌های شیرین و فرح‌بخشش استفاده کنند.

دانش آموزان کارآفرین



هدفی که شما در مقام یک کارآفرین تعیین می‌کنید، وقتی به شما در حد نهایت انگیزه می‌دهد، وقتی شما را به یک انسان ارزشمند و مفید تبدیل می‌سازد و وقتی رغبت و اعتبار واقعی اجتماعی را برای‌تان به ارمغان می‌آورد که در مسیر بهبود زندگی دیگران باشد و مشکلی را از مشکلات آنها کاهد.

اجازه دهید در این بخش نیز یک مثال را با هم مرور کنیم. حتماً استیو جابز را می‌شناسید، مدیرعامل و یکی از موسسان و اعضای هیات مدیره شرکت و برند بزرگ اپل که امروز همگان به داشتن محصولات این شرکت مثل گوشی آیفون افتخار می‌کنند.

اگر کتاب‌هایی که در ارتباط با زندگی استیو جابز از زبان همکاران و دوستانش نگارش شده (که البته کم هم نیستند) بخوانید متوجه می‌شوید که او همیشه در زندگی یک هدف داشت و این هدف را در تمام تصمیم‌گیری‌ها و اقداماتش دخیل می‌کرد.

هدف استیو این بود: تکنولوژی‌های جدید باید آنقدر ساده و آسان باشند که حتی پیرترین آدم‌ها و کم‌سوادترین آدم‌ها هم بتوانند از آن استفاده کنند.

نتیجه تلاش‌های افراد بزرگی مثل استیو جابز باعث شد تلفن همراه به یک وسیله مفید، پر فایده و کاربردی در زندگی تقریباً تمامی انسان‌ها تبدیل شود.

پیش به سوی هدفمندی

حالا که با مفهوم هدف زندگی و ویژگی‌های آن آشنا شدیم، وقت آن است که با هدفمندی نیز آشنا شویم.

دانش آموزان کارآفرین



هدفمندی دارای دو بخش است:

بخش اول: تعیین هدف بزرگ برای زندگی

بخش دوم: برنامه‌ریزی و فازبندی مسیر حرکتی خود در زندگی بر اساس هدف و چشم‌انداز تعیین شده.

در بخش اول شما باید کسب و کار کارآفرینانه خود را با توجه به سلیقه و خواسته و البته توانمندی‌های خود انتخاب کرده و بر اساس آن، هدف متعالی زندگی‌تان که دارای ویژگی‌های ذکر شده است را تعیین نمایید.

در بخش دوم نیز شما باید از طریق برنامه‌ریزی مسیر حرکتی خود در زندگی و حوزه کارآفرینی را فازبندی و بخش‌بندی کنید و از طریق مشخص کردن اهداف میانی، حرکت و عملکرد خود را قالب ارزیابی کنید.

نگران نباشید. با ذکر یک مثال ساده نشان می‌دهیم که هدفمند کردن زندگی اصلاً کار سختی نیست و تنها نیاز به دقت و برنامه‌ریزی هوشمندانه دارد.

مثال علی، دانش‌آموزی که به کار در حوزه مواد غذایی علاقه داشت را به یاد آورید. او بعد از شناسایی علاقه و توانایی‌های خود، به صورت عملی وارد کسب و کار کارآفرینانه در این حوزه شد.

پدر علی یک باغدار است که محصولات می‌ثل انگور (و کشمش)، سیب و ... را تولید می‌کند. پدر علی مجبور است میوه‌هایش را به صورت فله بفروشد و بدین واسطه دلایان محصولات باغی‌اش را با قیمت نسبتاً پایینی می‌خرند.

دانش آموزان کارآفرین



اما علی که می‌خواهید یک کارآفرین باشد، تصمیم می‌گیرد با خرید اقلامی ارزان قیمت، محصولات باغی پدرش را بسته‌بندی کند و خود با توزیع محصولات بسته‌بندی شده در مغازه‌ها و فروشگاه‌های مختلف، به سودآوری بیشتری دست یابد.

او برای خود هدف ارزشمندی نیز تعیین کرده است: همه باید به غذای سالم و ارزان دسترسی داشته باشند.

حال او می‌تواند گام در مسیر هدفمندی بگذارد و بدین شکل برای خود برنامه ریزی کند:

۱- مادامی که مشغول تحصیل هستیم، از طریق کسب و کار خود برای خانواده‌ام و خودم درآمدزایی کرده و با فنوق و رموز بسته‌بندی و فروش آشنا می‌شوم.

۲- بعد از دوران تحصیل در مدرسه، باید وارد دانشگاه شوم و در رشته‌ای مثل مدیریت صنایع غذایی تحصیل کنم تا از نظر علمی نیز بتوانم اطلاعات و مهارت‌های خود را تقویت کنم.

(یادمان باشد که یک کارآفرین موفق به هیچ وجه از درس و تحصیل خود نیز غافل نمی‌شود).

۳- بعد از دریافت مدرک، با پولی که در این سال‌ها پس‌انداز کرده‌ام یک کارگاه بزرگ بسته‌بندی محصولات باغی تاسیس می‌کنم.

دانش آموزان کارآفرین



۴- در ادامه کارگاهم را به یک کارخانه بزرگ تبدیل می‌کنم که مواد غذایی بسیاری را فراوری، بسته‌بندی و با کیفیت خوب به دست مشتریان می‌رساند.

۵- در سال‌های بعد می‌توانم خودم تولیدکننده مواد غذایی مورد نیاز کارخانه‌ام نیز باشم و با ایجاد مزارع کشاورزی پیشرفته، محصولاتی بسیار با کیفیت و سالم تولید کنم.

و

دانش آموزان کارآفرین



با تغییر نگرش، زندگی خود را دگرگون کنید

اجازه دهید داستانی اندوه‌بار را از زندگی خودم برای تان بازگو کنم. وقتی من مثل شما عزیزان محصل بودم و آن زمان در دوره راهنمایی تحصیل می‌کردم، معلم برای درس علوم به مدرسه ما آمد که دانشجوی رشته پزشکی بود و اطلاعات بسیار خوبی درباره بهداشت و سلامت داشت.

اما این معلم گرامی یک مشکل بزرگ داشت. اینکه احساس می‌کرد همیشه در معرض بیماری و مرگ است. برای همین به شکل وسواسی دستانش را مدام می‌شست، با دقتی عجیب هر روز زیر ناخن‌هایش را تمیز می‌کرد، با دستکش به گچ و تخته دست می‌زد که دستانش آلوده نشود و شاید روزی سه چهار بار به صورت طولانی مسواک می‌زد.

هر وقت هم از او درباره علت این کارها می‌پرسیدیم، توضیح می‌داد که بیماری و مرگ همیشه در خطر ماست و اگر دقت نکنیم به سرعت آسیب می‌بینیم.

متأسفانه این معلم گرامی که اتفاقاً از نظر اخلاقی بسیار محبوب و مورد علاقه بچه‌ها بود، وقتی درسش تمام شد، بر اثر یک تصادف جان باخت و بدین واسطه تمام تلاش‌های وسواس‌گونه‌اش برای حفاظت از خود نیز به کارش نیامد.

دانش آموزان کارآفرین



چرا این مثال تاسف‌بار را برای تان باز گو کردم؟ دوستان گلم، رعایت بهداشت مساله مهمی است که کسی در ارتباط با اهمیت آن شکی ندارد.

اما رعایت بهداشت یک بحث است و اینگونه باور داشتن افراطی به اینکه «من در معرض انواع بیماری‌ها و مرگ هستم» چیز دیگری است. در واقع معلم گرامی ما دچار یک نگرش اشتباه بود. نگرشی که به او القا کرده بود همیشه و به شکلی جدی و خطرناک در معرض مرگ و بیماری است و این باعث درگیر شدن به او به انواع ترس‌ها، وسواس‌ها و رفتارهای غیر منطقی شده بود.

از قدیم گفته‌اند انسان آنگونه زندگی می‌کند که فکر می‌کند. انسانی که زندگی را از دریچه بدبینی و یاس می‌بیند، قطعاً نمی‌تواند از زندگی لذت ببرد و به صورت مداوم در معرض انواع شکست‌ها، سرخوردگی‌ها، مشکلات و خطرات قرار می‌گیرد.

انسانی که خود را فردی ضعیف و ناتوان در نظر می‌گیرد، هرگز نمی‌تواند توانایی‌ها و استعدادهای خود را شکوفا کند و در مسیر موفقیت گام بردارد. او هرگز نمی‌تواند ارزشمندی بالای خود را درک کرده و آن را به دیگران نیز ثابت نماید.

بنابراین اینکه ما چگونه فکر می‌کنیم و چه نگرشی به زندگی، به دنیا، به خودمان، خانواده‌مان، جامعه و دیگر مولفه‌های زندگی داریم، در سرنوشت ما به شدت اثرگذار است.

دانش آموزان کارآفرین



نگرش چیست

شیوه زندگی ما، تجربیاتی که در زندگی کسب خواهیم کرد، موفقیت‌ها یا شکست‌هایمان و میزان برخورداری از سعادت و خوشبختی یا ناکامی و شوربختی‌مان، به صورت مستقیم به نگرش ما بستگی دارد.

نگرش ما تمام زندگی ما، رفتارها و عملکردهای ما و همچنین دستاوردها و سرنوشت ما را به صورت مستقیم رقم می‌زند و مادامی که اصلاح نشده و در مسیر هدف والای زندگی‌مان قرار نگرفته، به بزرگترین مانع پیروزی و سرفرازی‌مان تبدیل می‌شود.

اما برآستی این نگرش که تا این حد مهم و سرنوشت‌ساز است، چیست؟

نگرش ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی است که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیاء، گروه‌های مختلف و پدیده‌های متفاوت به شیوه مثبت یا منفی نگاه کرده و با آنان ارتباط برقرار کند. نگرش در واقع شیوه ارزیابی ما از پدیده‌های مختلف است که اعمال ما و رفتار آینده ما را هدایت می‌کند.

نگرش واقع نگرش ما رویکردهای ما به مسایل و پدیده‌های مختلف را مشخص می‌کند. کسی که اعتقاد دارد همسایه‌اش آدم خوبی نیست، در واقع رویکرد خود را از قبل نسبت به همسایه‌اش مشخص کرده و نگرشی بدبینانه و توأم با سوءظن را نسبت به او در پیش گرفته است.

دانش آموزان کارآفرین



بدیهی است که این نگرش بدبینانه تمام روابط او با همسایه‌اش را نیز تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. برای مثال اگر روزی فرد متوجه شود که روی ماشین او در پارکینگ خطی ایجاد شده، اولین تصویری که در ذهنش ایجاد می‌شود این است که آن همسایه این کار را کرده است. بنابراین با تندخویی و عصبانیت به سراغ او رفته و در مرحله عمل نیز نگرش بدبینانه خود را بروز می‌دهد.

ارتباط نگرش با موفقیت در عرصه کارآفرینی

از آنجایی که نگرش رویکرد ما نسبت به پدیده‌های مختلف را مشخص می‌کند، قطعاً نقشی بسیار پررنگ نیز در تصمیمات ما و شکل‌گیری احساسات مختلف در ذهن ما دارد. بدین واسطه به شدت با اثرگذاری بر تصمیمات و اقدامات ما، سرنوشت ما و آینده ما را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

از سوی دیگر موفقیت شما در عرصه کارآفرینی به صورت مستقیم و قدرتمندانه به تصمیماتی که می‌گیرید، به احساساتی که به خودتان و کارتان دارید (که این احساسات انگیزه‌های شما و اراده شما را تحت کنترل قرار می‌دهند) و به شیوه کار کردن‌تان بستگی دارد.

اگر شما از کسب و کار خود لذت ببرید و آن را بستری برای کسب اعتبار، قدرت، ثروت و خوشبختی در نظر بگیرید، وقتی با مشکلی مواجه می‌شوید، آن مشکل هرگز نمی‌تواند در شما ایجاد احساس یاس و ناامیدی کند. در این صورت شما مشکلات را به عنوان ابزارهایی برای کسب تجربه و مهارت تلقی می‌کنید، با قدرت با آنها مواجه می‌شوید و از مسیر تصمیم‌گیری صحیح و اقدامات خوب، گام به گام به سوی پیشرفت بیشتر حرکت می‌کنید.

دانش آموزان کارآفرین



اما اگر نگرش شما به خودتان خوب نباشد (مثلاً خود را فردی نالایق یا ناتوان در نظر بگیرید) و یا کسب و کاری که برای خود انتخاب کرده‌اید را کاری بدون آینده درخشان در نظر بگیرید، به سرعت در برابر مشکلات و چالش‌های کاری کم می‌آورید و دست از تلاش و کوشش برای پیشبرد کار خویش و دستیابی به اهداف‌تان می‌کشید.

یادتان باشد که حوزه کارآفرینی در عین برخورداری از هیجان‌ات و لذت‌های زیاد، در عین ایجاد کردن ارزش و اعتبار برای شما و بالا بردن توان مالی‌تان، قطعاً با مشکلات و سختی‌های خاص خود همراه است.

اینگونه نیست که شما به واسطه انتخاب صحیح کسب و کار خود و برنامه‌ریزی دقیق بتوانید تمام مشکلات و سختی‌ها را پیش‌بینی کرده و از مواجهه با آنها جلوگیری کنید. نه تنها شما قادر به انجام این کار نیستید، بلکه هیچ انسانی قادر به پیش‌بینی آینده و تمام مشکلات پیش‌رو نیست.

خیلی از مشکلات و فشارها حاصل معادلات جهانی هستند (مثل بالا رفتن یا پایین آمدن ناگهانی قیمت نفت یا طلا)، بسیاری از مشکلات حاصل تصمیمات و اقدامات دیگران هستند که تبعاتش گریبان ما را می‌گیرد و ضمن اینکه خیلی از مشکلات نیز حاصل تصمیم‌گیری‌ها و برداشتهای غلط خود هستند.

ما هرگز نمی‌توانیم بر تمام علوم و دانش دنیا احاطه پیدا کنیم، از این رو همواره در معرض اشتباه هستیم.

دانش آموزان کارآفرین



بنابراین اگر می‌خواهید در عرصه کارآفرینی موفق شوید، باید نگرش درستی به خودتان و کسب و کارتان داشته باشید. این نگرش صحیح به شما کمک می‌کند:

* هرگز به خودتان و راهی که در پیش گرفته‌اید شک نکنید. بدین واسطه هرگز انگیزه و اراده خود را برای پیشرفت و غلبه بر تمام سختی‌ها از دست نمی‌دهید.

* نگرش صحیح به شما کمک می‌کند باور کنید که همیشه راهی برای غلبه بر موانع و سختی‌ها وجود دارد و هرگز مسیر برای موفقیت نهایی مسدود نخواهد شد.

* نگرش صحیح به شما کمک می‌کند، از دست و پنجه نرم کردن با مشکلات و غلبه بر آنها لذت ببرید و اجازه ندهید ترس‌ها و استرس‌ها، توان تفکر صحیح و اقدام بهینه را از شما بگیرند.

* نگرش صحیح باعث می‌شود بتوانید از تمام ظرفیت‌های ذهنی‌تان برای بروز خلاقیت و ابتکار کمک بگیرید و بر تمام محدودیت‌ها فائق آید.

* نگرش صحیح به شما کمک می‌کند، کارآفرینی با انگیزه باشید که حضور و گفتارش به دیگران روحیه می‌دهد و فضای نشاط و امید را در جمع ایجاد می‌کند. نه اینکه با تاکید و اصرار بدبینانه بر مشکلات، روحیه دیگران را خراب کند.

یادتان باشد شما برای موفقیت‌های بزرگ در عرصه کارآفرینی باید در آینده رهبر گروهی از انسان‌ها باشید که در مسیر اهداف شما کار می‌کنند.

دانش آموزان کارآفرین



* یک کارآفرین باید نوآور باشد و روش‌های سنتی و غلط را کنار بزند. از این رو نگرش صحیح به او کمک می‌کند جرات بالایی از خود برای آزمودن روش‌های جدید نشان دهد و در نهایت به موفقیت‌های شگرف نیز دست یابد.

اگر برادران رایت و دیگر پیشروان عرصه ساخت هواپیما، نگرشی بدبینانه به کار خود داشتند و موفقیت را در دسترس نمی‌دیدند، هرگز بعد از چند شکست اولیه و تحمل دردها و هزینه‌های سنگین، دوباره دست به کار نمی‌شدند و با خلاقیت محصولی جدید را مورد آزمایش قرار نمی‌دادند.

* یک کارآفرین به واسطه نوآوری‌ها و خلاقیت‌هایی که به خرج می‌دهد و حتی گهگاه به واسطه حسادت‌ها و کوتاه‌بینی‌ها، با انواع مخالفت‌ها و گاه‌ا کارشکنی‌های دیگران مواجه می‌شود. نگرش صحیح به شما کمک می‌کند که دشمنی‌ها را به دوستی تبدیل کنید و هرگز به واسطه این خرابکاری‌ها از کار و هدف بزرگ خود دست نکشید.

نگرش‌های غلط را شناسایی و اصلاح کنیم

انسان اسیر تقدیر و سرنوشت نیست. انسان بازیچه اتفاقات پیرامونی خود نیست. اما یک انسان اگر نتواند بر اندیشه و تفکر خود مسلط شود، همیشه اسیر و زندانی نگرش‌های غلط و اندیشه‌های آسیب‌زای خود خواهد بود.

هیچ‌کس نمی‌تواند امید را از شما بگیرد جز خودتان. هیچ‌کس نمی‌تواند انگیزه‌های موفقیت را در شما سرکوب کند غیر از خودتان. هیچ‌کس نمی‌تواند مانع

دانش آموزان کارآفرین



رشد خلاقیت و ابتکار در شما شود، بجز خودتان. آنچه‌ای که باعث می‌شود امید، انگیزه و اراده در آدمی سست شود، نگرش‌های غلط و زیان‌بار است.

حال شاید این سوال در ذهن‌تان ایجاد شده که چه نگرش‌هایی غلط است و چه نگرش‌هایی صحیح؟ چگونه می‌توانیم نگرش‌های غلط خود را شناسایی کرده و آنها را اصلاح کنیم؟

در پاسخ هم ویژگی‌های مشترک نگرش‌های غلط را بیان می‌کنیم و هم چند مثال در ارتباط با این نوع از نگرش‌های زیان‌بار را با هم مرور می‌نماییم/

ویژگی مشترک نگرش‌های غلط:

* نگرش‌های غلط بر ناتوانی‌ها و نشدن‌ها تاکید دارند، به جای تاکید بر توانایی‌ها و ممکن‌ها.

ناپلئون می‌گوید: تنها چیز ناممکن دنیا، خود ناممکن است. این نقل قول، حاصل یک نگرش صحیح است که هیچ چیزی را ناممکن و نشدنی در نظر نمی‌گیرد.

مثال: برای موفقیت به سرمایه‌های زیاد نیاز دارم.

* نگرش‌های غلط تقویت‌کننده و دامن‌زننده ترس‌ها و استرس‌ها هستند.

هرگاه نگرشی را در ذهن خود مرور کرده و بدین واسطه احساس ترس و نگرانی در شما زنده شد، بدانید که این نگرش قطعاً نیاز به اصلاح دارد.

مثال: اگر شکست بخورم همه مرا فردی بی‌ارزش و ناتوان تلقی می‌کنند.

دانش آموزان کارآفرین



* نگرش‌های غلط، توسعه دهنده دشمنی و اختلاف است تا دوستی و همکاری.

انسان موجودی اجتماعی است و از این رو موفقیت و سعادتش مرهون و وابسته به روابط انسانی است. از این رو هر نگرشی شما را از روابط دوستانه و حسنه دور می‌کند نیاز به اصلاح دارد.

مثال: مردها (یا زن‌ها) توانایی کار خوب را ندارند.

* نگرش‌های غلط بازدارنده هستند نه کمک کننده.

مثال: اگر در این کار موفق نشوم، دیگر نمی‌توان کار جدیدی را شروع کنم.

* نگرش‌های غلط بر نداشته‌ها و کمبودهای متمرکز می‌شوند، نه فرصت‌ها و خلاقیت‌ها.

مثال: با شرایطی که من دارم، سال‌ها طول می‌کشد تا بتوانم برای خودم کسب و کاری راه بیندازم.

بهترین راه اصلاح نگرش این است که باورهای غلط شکل دهنده نگرش زیان-بار را در ذهن‌تان تغییر دهید. برای مثال اگر نگرش شما اینگونه است که به خاطر ضعف‌هایی که دارید نمی‌توانید موفق شوید، این نگرش از باور غلطی سرچشمه گرفته است: ضعف و کمبود مانع پیروزی است.

بنابراین با اصلاح این باور می‌توانید نگرش خود را اصلاح کنید. بدین شکل که باور کنید: هرگز ضعف و کمبود نمی‌تواند مانع پیشرفت یک انسان باشد. هر

دانش آموزان کارآفرین



انسانی در عین ضعفها و کمبودها، دارای مزیتها و تواناییهای خاص خود است که با تکیه بر آنها می‌تواند نقش ضعفها و کمبودها را کم‌رنگ کند.

اجازه دهید مثالی جالب را از تاریخ جهان برای‌تان بازگو کنم. در اواسط قرن بیستم، زمانی که ایالات متحده آمریکا به شدت در رقابت با کشور شوروی سابق (روسیه کنونی) برای فرستادن انسان به فضا بود، شوروی قبل از آمریکا موفق شد دو سفینه بدون سرنشین را به فضا بفرستد.

این در حالی بود که اغلب دانشمندان، کارشناسان و سیاستمداران آمریکایی به جد به این باور رسیده بودند که به خاطر معضل بازگرداندن بشر از فضا به زمین، اعزام انسان به کره ماه امری نشدنی و محال است.

ضمن اینکه سازمان فضایی آمریکا، ناسا و دولت این کشور به لحاظ مالی با تنگناها و مشکلات بسیاری مواجه بود و این مساله نیز بر سختی‌های کار می‌افزود.

در این شرایط و در زمانه‌ای که اغلب دانشمندان و سیاستمداران ناامید شده بودند، جان اف کندی، رییس جمهور وقت آمریکا در مجلس سنا حاضر و مدعی شد هر طور شده تا پیش از پایان دهه ۶۰ میلادی، پروژه اعزام انسان به فضا را عملی خواهد کرد.

او نه تنها فقط این ادعا را باور کرد، بلکه از نظر ذهنی نیز به تحقق این امر باور داشت. بنابراین با جدیت پروژه را پیگیری کرد و بدین واسطه در سال ۱۳۶۹ سفینه آپولو همراه با دو انسان در کره ماه فرود آمد.

دانش آموزان کارآفرین



نیل آرمسترانگ، یکی از دو فضانوردی که برای اولین بار پا بر روی کره ماه گذاشتند، در آن لحظه تاریخی گام زدن در ماه، گفت:

این کوچکترین قدم انسان اما بزرگترین جهش بشریت بود.

این موفقیت بزرگ برای همیشه درس بزرگی را به تمام انسان‌ها داد. درسی که شما عزیزان در مقام دانش آموز کارآفرین باید با تمام وجود آن را فرا بگیرید:

اگر نگرش انسان درست و امیدوارانه باشد، بزرگترین مشکلات و کمبود امکانات و ابزار هرگز نمی‌تواند مانع موفقیت افراد در دستیابی به اهدافشان و رقم زدن موفقیت‌های بزرگ و چشم‌گیر باشد.

نگرش‌های غلط را اصلاح کنیم

حال که با اهمیت نگرش بر سرنوشت، تصمیمات و اقدامات هر فرد آشنا شدیم و دریافتیم که چگونه می‌توان با اصلاح نگرش‌های خود به موفقیت‌های شگرف و بزرگ دست یابیم، وقت آن است که به صورت عملی روش اصلاح نگرش‌های غلط خود را نیز فرا گیریم.

برای این منظور باید ابتدا درک کنیم که نگرش‌های ما (چه غلط و چه درست) از چه منابعی سرچشمه می‌گیرند. این آگاهی به ما کمک می‌کند که نگرش‌های خود را بسته به سرمنشاء آنها اصلاح کنیم.

دانش آموزان کارآفرین



۱- شخصیت:

هر یک از ما بسته به نوع تربیتی که خانواده در ارتباط با ما در دوران کودکی در پیش گرفته بودند و البته اتفاقات و تجربیاتی که پشت سر گذاشته‌ایم، ویژگی‌های را به عنوان ویژگی‌های شخصیتی کسب کرده‌ایم که امروز این ویژگی‌ها در مجموعه شخصیت ما را تشکیل می‌دهند.

برای مثال فردی ممکن است بسیار سخت‌کوش باشد اما در عین حال خجالتی بوده و از حضور در جمع خیلی استقبال نکند. یا به عکس شخصی ممکن است به شدت خوشگذران و بی‌مسئولیت بوده و خیلی به عرف‌ها و فرهنگ‌های اخلاقی متعهد نباشد.

بنابراین یکی از مواردی که بر نگرش ما تاثیر می‌گذارد، شخصیت ما و ویژگی‌های شخصیتی ماست. برای مثال فردی که به شدت درون‌گراست و حضور در جمع را ناامن و آزاردهنده می‌بیند، نگرش خیلی خوبی نسبت به دیگران ندارد و معمولاً بر این باور است که دیگران می‌خواهند به او آزار برسانند.

راهکار اول اصلاح نگرش:

اگر از نظر شخصیتی دارای ویژگی‌هایی هستید که دیگران یا خودتان از آنها به عنوان ویژگی‌های نادرست و زیان‌بار یاد می‌کنند، باید با اصلاح این بعد از شخصیت خود، نگرش‌های حاصل از آن را نیز اصلاح کنید.

دانش آموزان کارآفرین



برای مثال اگر فردی زودجوش هستید و به سرعت عصبانی می‌شوید، این ویژگی شخصیتی ممکن است به نگرش‌های زیان‌باری مثل موارد زیر منجر شود:

* دیگران همیشه می‌خواهند مرا آزار داده و تحقیر کنند.

* دیگران اصلاً به من و خواسته‌هایم توجهی ندارند.

* دیگران همه خودخواه هستند و می‌خواهند حق مرا بخورند.

حال اگر بتوانید این ویژگی خود را اصلاح کرده و یاد بگیرید که در هنگام بروز خشم، خود را کنترل کرده و به جای خشونت‌ورزی، به دیگران حق دهید که اشتباه کنند یا نظری متفاوت نسبت به شما داشته باشند، به مرور نگرش‌های بد حاصل از این ویژگی نیز تغییر می‌کند.

۲- محیط و جامعه:

هر فردی بسته به محیط و جامعه‌ای که در آن رشد یافته، با فرهنگ‌ها، عرف‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و باورهایی آشنا می‌شود که این موارد به شدت بر روی نگرش او اثر گذار هستند.

برای مثال فردی که در یک کشور فقیر و به شدت عقب افتاده زندگی می‌کند که مردم آن بیش از آنکه بر علم و دانش تکیه داشته باشند، زندگی خویش را بر اساس خرافات و باورهای سنتی خویش بنا نهاده‌اند، به سختی می‌تواند باور کند که انسان می‌تواند کارهای خارق العاده‌ای مثل سفر به فضا را انجام دهد.

دانش آموزان کارآفرین



این در حالی است که مثلاً یک کودک ژاپنی که از کودکی با انواع تکنولوژی‌ها و دستاوردهای علمی آشنا شده، قطعاً باور امیدوارانه‌تری نسبت به انجام کارهای بزرگ و شگرف دارد و برایش پذیرش مسایل خارق العاده‌ای مثل زندگی در یک سیاره دیگر آسان‌تر است.

راهکار دوم اصلاح نگرش:

هر محیط و جامعه‌ای در کنار مزایا و ویژگی‌های مثبت، حاوی و در برگیرنده باورها، سنت‌ها، فرهنگ‌ها و ... غلط نیز می‌باشد که باعث ایجاد برخی نگرش‌های غلط و زیان‌بار نیز در ما می‌شوند.

برای مثال یکی از باورهای غلطی که متأسفانه در کشور ما بسیار رایج است، این است که جوان‌ها خام و بی‌تجربه هستند و توانایی انجام دادن کارهای بزرگ و حساس را ندارند. به همین دلیل نیز بزرگ‌ترها و بزرگان جامعه کمتر به جوان‌ها اجازه می‌دهند وارد کارهای مدیریتی شوند و مسئولیت انجام کارهای حساس را برعهده بگیرند.

کما اینکه شاهد هستیم عمده مدیران و مسئولان کشور ما از بین افراد کهنسال و پیر هستند که علیرغم تجربه و دانش، به دلیل نداشتن انگیزه کافی، داشتن نگرش‌های قدیمی و سنتی و عدم تطبیق دهی خود با تغییرات عمده جهان امروز، بعضاً کارایی چندانی نیز از خود نشان نمی‌دهند. اما کماکان حاضر هم نیستند که عرصه را برای جوان‌ترها باز کنند.

دانش آموزان کارآفرین



راهکار سوم اصلاح نگرش‌های غلط:

فرهنگ و باورهای جامعه و محیطی که در آن زندگی می‌کنیم به صورت مستقیم بر ایجاد نگرش‌های مثبت و منفی در ما اثرگذار بوده و هست. اما خوشبختانه امروز با پیشرفت تکنولوژی و ظهور انواع رسانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی، این فرصت طلایی برای همگان ایجاد شده که اطلاعات و دانش خود را درباره پدیده‌ها، اتفاقات و امور مختلف در دنیا افزایش داده و بدین واسطه باورهای غلط محیطی خود را اصلاح کنند.

برای مثال اگر جامعه ما این باور را به ذهن‌مان القا کرده که ما جوان‌ها نمی‌توانیم کارهای بزرگ و حساس را انجام دهیم، کافی است مثلاً در فضای مجازی سرگذشت و اخبار مربوط به جوانانی که در عرصه‌های مختلف با خلق شگفتی‌های بزرگ، زندگی انسان‌ها را به صورت کلی تغییر داده و اصلاح کرده‌اند مطالعه کنیم.

برای این منظور مطالعه زندگی بزرگان و افراد موفق نیز می‌تواند بسیار مفید باشد.

بنابراین اگر محیط ما، برخی نگرش‌های غلط را به ما تحمیل کرده، این دلیل نمی‌شود که ما امروز دست روی دست بگذاریم و همچنان کورکورانه بر باورها و نگرش‌های غلط خود پافشاری کنیم.

بلکه می‌بایست با اتخاذ رویکرد جستجوگری و تحقیق، از طریق افزایش دانش و اطلاعات خویش و آشنا شدن با زندگی دیگران، عملکردهای دیگران و پدیده-

دانش آموزان کارآفرین



های مهمی که در دنیا رخ داده یا می‌دهند، باورها و نگرش‌های زیان‌بار خود را اصلاح کنیم.

۴- خودشناسی:

به هر میزان که هر فردی توانایی‌ها و استعدادهای بیشتری را از خود کشف کرده و بشناسد، به همان نسبت امیدش به موفقیت در کارهای مختلف بیشتر می‌شود. بنابراین یکی دیگر از مهمترین عوامل اثرگذار بر نگرش افراد خودشناسی است.

برای مثال فردی که فهمیده توانایی رانندگی کردن دارد، خیلی از اینکه مثلاً شغلش را از دست بدهد نمی‌هراسد. چراکه می‌داند در هر صورت می‌تواند از طریق مسافركشی حتی به صورت موقت هم که شده نیازهای مالی‌اش را تامین کند.

راهکار چهارم اصلاح نگرش:

به صورت جدی به شما عزیزان دانش‌آموز پیشنهاد می‌کنم خود را در معرض آزمون‌ها و فعالیت‌های مختلفی قرار دهید و بدین واسطه تلاش کنید به صورت مستمر توانمندی‌ها و خلاقیت‌های خود را کشف کنید.

برای مثال لامپی در خانه‌تان می‌سوزد یا قرار است سیم کشی بخشی از خانه را تعویض کنید، با کسب راهنمایی از والدین و بزرگترها، نسبت به این کار اقدام کنید. بدین واسطه هم تجربه جدیدی کسب می‌کنید و هم خود را ارزیابی می‌کنید که آیا توانایی و اشتیاق خوبی در این حوزه دارید یا نه.

دانش آموزان کارآفرین



۵- تصمیمات:

تا وقتی یک فرد کودک است و هنوز از نظر ذهنی به بلوغ مطلوبی دست نیافته عوامل اولی که پیش از این ذکر کردیم مثل تربیت خانوادگی و محیط به شدت بر نگرش‌های او تاثیرگذار هستند. اما وقتی شما عزیزان به دوران نوجوانی و جوانی می‌رسید، آنچه بیشتر از هر چیزی بر تغییر نگرش‌های شما یا تقویت و حذف آنها اثر می‌گذارد تصمیماتی است که اتخاذ می‌کنید.

برای مثال اگر به واسطه یک تصمیم اشتباه دچار ضرر و زیان مالی شوید، این نگرش و باور در ذهن‌تان تقویت می‌شود که شما توانایی یا استعداد چندانی در حوزه مسایل مالی ندارید. یا ممکن است به این باور برسید که همه می‌خواهند از نظر مالی به شما کلک بزنند.

راهکار پنجم اصلاح نگرش:

به شما عزیزان قویاً پیشنهاد می‌کنم در تصمیم‌گیری‌های خود دقت و تامل زیادی به خرج دهید. بدین شکل با اتخاذ تصمیمات صحیح که به نتایج مطلوب و خوبی نیز منجر می‌شود، می‌توانید باور و نگرش امیدوارانه‌ای را در خود ایجاد کنید و نگرش‌های منفی که بر ناتوانی‌ها یا بدشانسی‌های‌تان تاکید می‌نمایند را کنار بگذارید.

پیشنهادات زیر به شما کمک می‌کند فرایند تصمیم‌گیری خود را اصلاح کرده و بهبود بخشید و بدین واسطه بتوانید نگرش‌های خود را نیز در مسیر موفقیت تقویت کنید:

دانش آموزان کارآفرین



* حتماً پیش از هر تصمیم و اقدامی درباره کاری که قرار است درباره آن تصمیم گیری کنید مطالعه کنید و اطلاعات حداقلی را کسب کنید. عمده‌ترین دلیل شکست افراد در تصمیم‌گیری‌هایشان کمبود دانش، اطلاعات و شناخت مناسب است.

* حتماً از مشاوره افراد خبره و آگاه در حوزه کاری که قرار است برایش تصمیم‌گیری کنید بهره بگیرید. تاکید می‌کنم که از مشاوره افراد خبره کمک بگیرید. برای مثال مشاوره با دوستان‌تان در مواردی که اطلاعات زیادی ندارند خیلی مفید و کارساز نیست.

* بعد از اینکه یک تصمیم را اتخاذ کردید، پیش از اجرا، در ذهن‌تان آن تصمیم را عملی کرده و به احتمالاتی که ممکن است رخ دهد فکر کنید.

برای مثال اگر تصمیم گرفته‌اید مدرسه خود را تغییر دهید، به این فکر کنید که:

* دوری از دوستان فعلی‌تان چه تاثیری بر روحیه و شرایط‌تان می‌گذارد.

* آیا در مدرسه جدید امکانات و شرایط بهتری برای تحصیل و کارآفرینی در اختیار خواهید داشت یا خیر. این امکانات یا کمبودها آنها چه تاثیری بر درس و کارتان می‌گذارد.

* آیا رفتن به مدرسه جدید از نظر رفت و آمد (چه زمان و چه هزینه)، برای شما مشکلاتی را ایجاد می‌کند یا از مشکلات فعلی‌تان می‌کاهد.

دانش آموزان کارآفرین



و بسیاری از موارد دیگر که هرکس بسته به شرایط خود می‌تواند به آنها فکر کند.

با ارزیابی ذهنی مراحل اجرایی یک تصمیم پیش از اجرای واقعی، شما می‌توانید به صورت مطلوبی مشکلات و فرصت‌ها را شناسایی کرده و از مواجه شدن با هزینه‌ها و شکست‌های زیان‌باری جلوگیری می‌کنید. در نتیجه به واسطه بهبود عملکرد خود نگرش‌های بهتری نیز کسب خواهید کرد.

دانش آموزان کارآفرین



تغییر در مسیر کارآفرینی

آیا تا به حال دقت کرده‌اید که بزرگترها در جمع‌ها و موقعیت‌های مختلف متفاوت برخورد و رفتار می‌کنند. برای مثال پدر یا عموی تان وقتی در خانه است، یک شخصیت و یک شکل از رفتار و گفتار را بروز می‌دهد، در محل کارش و وقتی در جمع همکاران و مهمانان کاری مهم است، شکل دیگری و در جمع دوستان صمیمی‌اش نیز به شیوه‌ای متفاوت.

ضمن اینکه وقتی کارمند هستند، شیوه لباس پوشیدن، شیوه سخن گفتن و رفتارشان با وقتی مدیر یک مجموعه می‌شوند فرق می‌کند. در واقع هر فردی بسته به شغل و جایگاهی که دارد و بسته به جمع و شرایطی که در آن قرار دارد، ظاهرش، گفتار و رفتارش را مدیریت می‌کند.

همین نکته مهم در ارتباط با حوزه کارآفرینی نیز وجود دارد. بدین معنا که وقتی شما وارد عرصه مهم، جذاب و هیجان‌انگیز کارآفرینی می‌شوید می‌بایست ذهنیت، گفتار و رفتار و حتی پوشش و ظاهر خود را با این حوزه هماهنگ کنید.

این هماهنگی از یک سو باعث می‌شود وجهه و اعتبار شما به عنوان یک کارآفرین درک شده و مورد احترام قرار گیرد و از سوی دیگر ملزم کردن خود به رعایت نکاتی عدیده که درون و بیرون شما را با یک کارآفرین موفق هماهنگ

دانش آموزان کارآفرین



می‌کند، باعث می‌شود تصمیمات بهتری بگیرید، رفتارهای اثرگذاری از خود نشان داده و با قدرت و شتاب بیشتری در مسیر موفقیت گام بردارید.

در فصل قبل شما یاد گرفتید که باید نگرش خود را در مسیر کارآفرینی و موفقیت در این حوزه اصلاح کنید. در این فصل می‌خواهیم شیوه تفکر، شیوه گفتار و شیوه رفتارمان را بر اساس نگرش‌های اصلاح شده تغییر دهیم و از این پس به شیوه یک کارآفرین زندگی کنیم. شیوه‌ای که اعتبار و ارزشمندی زیادی را به شما هدیه داده و شما را در مسیر دستیابی به هدف‌تان کمک می‌کند.

در ادامه به تغییراتی که باید در زندگی‌تان ایجاد کنید تا به صورت عملی همانند یک کارآفرین موفق باشید را معرفی می‌کنیم:

۱- شیوه انتخاب و تصمیم‌سازی:

افرادی که هدف خیلی مشخصی ندارند و نمی‌دانند از زندگی چه می‌خواهند، وقتی در معرض انتخاب یا تصمیم قرار می‌گیرند، بر اساس احساسات لحظه‌ای یا خواسته‌های موقت‌شان تصمیم‌گیری می‌کنند.

اما شما از امروز که یک کارآفرین شده‌اید، تمام تصمیمات‌تان باید نقشی در پیشبرد امورتان داشته باشد و شما را در حوزه کاری‌تان یاری نماید. بد نیست این سوالات را از خود پرسید:

- آیا انتخاب یا تصمیم‌تان شما را به هدف‌تان نزدیک‌تر می‌کند یا خیر؟

دانش آموزان کارآفرین



- آیا این انتخاب به هزینه‌هایش می‌ارزد یا مرا دچار زیان مادی یا معنوی می‌کند؟

- آیا این روش، بهترین روشی است که در معرض انتخابم قرار گرفته است؟

- آیا از نظر امکانات و شرایط واقعاً می‌توانم تصمیم را عملی کنم یا فقط مدتی باعث هدر رفتن زمان و امکاناتم می‌شوم؟

- سود این تصمیم برای دیگران چیست؟

البته نکاتی که مطرح کردم بدین معنا نیست که مثلاً شما دیگر اجازه اینکه به تفریح بروید یا خوش بگذرانید ندارید. اتفاقاً یک خوشگذرانی یا یک تفریح سالم نیز می‌تواند در مسیر هدف شما باشد. چراکه خستگی را از تن تان بیرون برده و انرژی‌های تان برای تلاش و کوشش بیشتر را تقویت می‌کند.

۲- شیوه رفتار با انسان‌ها:

افراد خام و بی‌تجربه در ارتباط با انسان‌های دیگر معمولاً سه رویکرد ثابت و افراطی دارند. برخی را از خود بالاتر می‌بینند که به شدت در برابر آنها احساس ضعف کرده و با فروتنی شدید و کاذب با آنها برخورد می‌کنند. برخی را دوستان صمیمی خود می‌بینند که به شکل افراطی تمام رازها و داشته‌های شان را با آنها در میان می‌گذارند و در نهایت برخی را نیز از خود پایین‌تر می‌بینند و تصور می‌کنند اینگونه افراد هیچ چیزی برای یاد دادن به آنها ندارند.

دانش آموزان کارآفرین



گهگاه نیز اگر بتوانند افراد پایین تر از خودشان را مورد تمسخر قرار می دهند و همواره ارزشمندی آنها را زیر سوال می برند. بنابراین برخورد با غرور و تبختر با اینگونه افراد را نیز بر خود روا می دانند.

اما یک کارآفرین اصلاً به این شکل به دیگران و روابط خود نگاه نمی کند. یک کارآفرین اصول مهمی را در روابط خود و رابطه سازی های خود مد نظر قرار می دهد که به برخی از مهمترین آنها اشاره می کنیم:

* یک کارآفرین با هر سطح از دانش، مهارت و ثروت، همیشه با فروتنی با دیگران برخورد می کنند و برای تمام انسان ها ارزش قائل است.

* یک کارآفرین خبره و موفق می داند که برای موفقیت های بیشتر و پیشرفت مستمر به روابط انسانی به شدت نیازمند است. مخصوصاً کسانی که به صورت مستقیم با او همکاری کرده و یا به عنوان مشتری با وی در ارتباط قرار می گیرند.

* یک کارآفرین موفق می داند که حتی افرادی که به ظاهر کم سواد هستند، می توانند دارای ایده های بکری باشند. از این رو همیشه با دقت و احترام به سخن و گفتار دیگران گوش می دهد.

* یک کارآفرین موفق می داند که هر شخصی با هر میزان از درآمد و ثروت، مدرک تحصیلی یا جایگاه اجتماعی به عنوان یک انسان ارزشمند و قابل احترام است.

دانش آموزان کارآفرین



* یک کارآفرین می‌داند که مهمترین سرمایه یک سازمان نیروی انسانی‌اش و مهمترین دارایی خود روابطی است که با دیگران ایجاد کرده، نه ثروت، امکانات یا تجهیزات فیزیکی.

۳- نظم و انضباط:

هرکسی برای موفقیت نیازمند برخورداری از یک برنامه دقیق و پایبندی به آن است که همگان آن را تحت عنوان نظم می‌شناسند. اما نیاز یک کارآفرین به نظم بسیار جدی‌تر و حیاتی‌تر است.

یک کارآفرین برای تک تک لحظاته‌اش برنامه دارد، برای خوابش، برای استراحت و تفریح، برای درس و تحصیل و برای کار. او می‌داند چه زمانی را باید به پژوهش و تحقیق اختصاص دهد، چه میزان در روز، هفته یا ماه به تولید می‌پردازد و چه زمانی را باید برای بازاریابی و عرضه محصولاتش اختصاص دهد.

این مساله برای شما که دانش‌آموز کارآفرین هستید و در کنار درس می‌خواهید کار کنید حساسیتی دوچندان هم دارد. فقدان نظم برای شما دانش‌آموزان کارآفرین باعث می‌شود یا از وقت و زمان درستان بزنید یا از زمان کارتان در هر دو صورت هم متضرر می‌شوید و هم همیشه وقت کم می‌آورید.

۴- فرصت‌سنجی:

حتماً بارها شنیده‌اید که می‌گویند فلان شخص آدم خوش‌شانسی است و فلانی آدم بدشانس. فلانی دست به سنگ می‌زند طلا می‌شود و دیگری دست به طلا که می‌زند، مس می‌شود.

دانش آموزان کارآفرین



این جور برداشتهای عامیانه متاسفانه در بین مردم بسیار رواج دارد اما اجازه دهید در این کتاب شما را با یک راز بزرگ آشنا کنم.

من منکر شانس و اقبال و اینکه گاهی یک اتفاق یا رویداد، سودی را نصیب یک شخص کرده و یا شخص دیگری را متضرر می کند نیستم.

راز من این است:

افراد بزرگ و موفق، می دانند که همه انسانها کمابیش در زندگی شان با انواع فرصت ها و شانس ها و همچنین انواع بدشانسی ها مواجه می شوند. در این میان افرادی به موفقیت های بزرگ و شگفت دست می یابند که آماده بهره برداری از فرصت ها و شانس های زندگی خود هستند و از قبل خود را برای بدشانسی ها و بداقبالی ها نیز آماده کرده اند.

اجازه دهید برای درک بهتر موضوع، کشورها را در مقام فرد در نظر بگیریم. بر این اساس تمام کشورها هم دارای منابع و ذخایر طبیعی ارزشمندی هستند (که آنها را می توانیم اقبال یا شانس یک کشور قلمداد کنیم) و هم ممکن است بارها به بلایای طبیعی مختلفی دچار شوند (که می توانیم آنها را بداقبالی در نظر بگیریم).

دانش آموزان کارآفرین



در این میان کشورهای موفق، به خوبی از منابع طبیعی خود (شانس‌های خود) استفاده می‌کنند و با تصمیم‌های صحیح مثل تقویت کارآفرینی و تولید، ثروت و قدرت را برای خود رقم می‌زنند.

اینگونه کشورها در عین حال می‌دانند که بروز بدشانسی یا حوادث طبیعی مثل زلزله امری اجتناب‌ناپذیر است. از این رو با روش‌های صحیح مثل اصلاح شیوه‌های ساخت و ساز و ...، از درگیر شدن به خسارت‌های سنگین مادی و معنوی جلوگیری می‌کنند.

بهترین مثال در این زمینه کشور ژاپن است که نسبت به خیلی از کشورها از جمله کشور ما منابع و ذخایر طبیعی بسیار کمی دارد اما در عین حال هم از منابع خود به خوبی استفاده کرده تا به یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان از نظر اقتصادی و تکنولوژی تبدیل شود و از سوی دیگر حتی با بروز بزرگترین زلزله‌ها و سیل‌ها نیز کمترین آسیب‌ها را متحمل می‌شود.

اما کشورهای بسیاری مثل کشور ما علیرغم برخورداری از منابع طبیعی که شانس‌های بزرگی هستند، به واسطه عدم مدیریت صحیح و عدم آمادگی برای بهره‌برداری صحیح، با مشکلات بسیاری مواجه هستند و وقتی با یک بدشانسی یا حادثه سنگینی مواجه می‌شوند شوکه شده و خسارت‌های زیادی را تحمل می‌کنند.

افراد کارآفرین همیشه می‌دانند که باید از نظر علم و دانش، از مهارت و از نظر مالی خود را تقویت کنند تا وقتی در برابر یک فرصت عالی قرار می‌گیرند به

دانش آموزان کارآفرین



خوبی از این فرصت‌ها استفاده کرده و جهش بزرگی در کار و زندگی خود ایجاد کنند.

شما نیز باید اینگونه باشید. اگر یک روز به شما پیشنهاد شد مدیر یک شرکت بزرگ (در حوزه کاری‌تان) شوید، آیا دانش و مهارت‌های لازم را برای پذیرش این شغل پر درآمد دارید؟

موردی که عرض کردم صرفاً یک مثال بود. شما باید برای بهره‌مندی از تمام فرصت‌های زندگی‌تان آماده شوید و این نیازمند کسب دانش و مهارت، حساس و با توجه بودن نسبت به اتفاقات و رویدادهای پیرامونی و همچنین اقدام به موقع و بهینه است.

۵- تحقیق و مطالعه:

از دیگر ویژگی‌های برجسته یک کارآفرین موفق این است که خود را علامه دهر نمی‌داند و همیشه اعتقاد دارد دانش‌آموزی است که باید همچنان چیزهای بیشتری را یاد بگیرد، کسب تجربه و مهارت کند و همچنان به سمت قله‌های بالاتر موفقیت در حرکت باشد.

این در حالی است که اغلب افراد معمولی بعد از کسب یک تخصص، مهارت یا مدرک علمی دیگر خود را از به روزرسانی دانش و مهارت خویش بی‌نیاز می‌دانند و تصمیمات خود را همواره بر اساس تجربیات و دانش گذشته خود می‌گیرند.

برعکس، یک کارآفرین، هم از یک سو همواره در مسیر یادگیری است و از طریق مطالعه، گفتگو و دیگر روش‌های معمول دانش خود را بالا می‌برد و با

دانش آموزان کارآفرین



دستاوردهای شرکتها و برندهای مختلف آشنا می‌شود و هم از سویی دیگر قبل از اتخاذ هر تصمیم مهمی تحقیق و پژوهش می‌کند و از مشاوره دیگران بهره می‌گیرد.

۶- خلاقیت و نوآوری:

به جد می‌توان ادعا کرد که برجسته‌ترین و مهمترین ویژگی یک کارآفرین خلاقیت و نوآوری است. از آنجایی که این مساله در حوزه کارآفرینی اهمیت بسیار بسزایی دارد اجازه دهید در فصل بعد به صورت مفصل به آن بپردازیم.

دانش آموزان کارآفرین



آفریننده باشید

امتیاز برجسته کارآفرینان نسبت به انسان‌های معمولی و حتی صنعتگران و متخصصان حوزه‌های مختلف آن است که محدودیت و کمبود و بن‌بست برای-شان معنایی ندارد. به قول معروف آنها همیشه بر این باور هستند که یا راهی وجود دارد یا راهی خواهند ساخت.

کارآفرینان افرادی هستند که می‌دانند چگونه باید با بکارگیری بهینه و مفید از امکانات و ظرفیت‌های موجودی و البته با طراحی ایده‌های خلاقانه و نوآورانه، بهترین نتایج را رقم بزنند.

کارآفرینان برجسته به جای غرغر کردن، توجیه‌گری و بهانه‌جویی، همواره به دنبال حل مساله هستند و با ابتکار، بهترین استفاده ممکن را از امکانات، ابزارها و شرایط می‌برند.

بنابراین شما نیز برای موفقیت در عرصه کارآفرینی باید به شدت روحیه خلاقیت و ابتکار را در خود تقویت کنید و با قدرت در عرصه نوآوری پا بگذارید. شما باید بدانید که به عنوان یک کارآفرین مهمترین داشته‌تان قدرت آفرینندگی و خلق است.

دانش آموزان کارآفرین



شما به موقع از روش‌ها و برتری‌های دیگر الگوداری می‌کنید اما می‌دانید که خودتان باید نوآور باشید و راه‌های جدیدی را برای الگوداری دیگران باز و خلق کنید. شما باید ایده‌های جدید، روش‌های جدید و حتی محصولات و خدماتی جدیدی خلق کنید که زندگی انسان‌ها را بهبود می‌بخشد. چون شما یک آفریننده هستید.

خلاقیت چیست؟

خلاقیت را به اشکال و شیوه‌های مختلفی تعریف می‌کنند. ما در اینجا تلاش می‌کنیم تعریفی جامع و قابل استفاده از خلاقیت را ارائه دهیم.

تعریف خلاصه خلاقیت به شرح زیر است:

خلاقیت یعنی قدرت بکارگیری ایده‌های نوآورانه و جدید برای پس‌زدن کمبودها و محدودیت‌ها و آفرینش چیزها و نتایج سودمند جدید.

بر اساس این تعریف کوتاه تفکر خلاق شامل مراحل زیر است:

مرحله یک: احساس کردن و درک کردن کمبودها و کاستی‌ها

در واقع یک فرد خلاق به موقع و قبل از دیگران متوجه می‌شود که شرایط موجود نامطلوب است و کاستی‌ها و محدودیت‌هایی دست ما را در رسیدن به نتایج بهتر بسته است.

دانش آموزان کارآفرین



مرحله دوم: فرضیه سازی و طراحی ایده‌هایی برای غلبه بر محدودیت‌ها و خلق محصولات جدید و نوآورانه

در مرحله دوم فرد خلاق تلاش می‌کند از مسیر تفکر هوشمندانه راهکارها و ایده‌هایی را برای غلبه بر محدودیت‌ها و مشکلات طراحی کرده و فرضیاتی را برای دستیابی به نتایج بهتر ایجاد کند.

مرحله سوم: ارزیابی و آزمودن ایده و فرضیه

در مرحله سوم فرد ایده‌ای که طراحی کرده را مورد آزمایش قرار می‌دهد تا کارایی و اثربخشی آن را بسنجد.

مرحله چهارم: بازنگری و اصلاح ایده و فرضیه

در مرحله سوم وقتی ایده به بوته آزمایش گذاشته می‌شود، احتمالاً اشکالات و ایرادات آن مشخص می‌شود. بنابراین در گام چهارم فرد خلاق ایرادات نظریه یا فرضیه خود را اصلاح می‌کند تا به ایده‌ای مطلوب و کارآمد دست یابد.

مرحله پنجم: نشر ایده خلاقانه

یک فرد خلاق هرگز از اینکه نظریات و ایده‌هایش را در اختیار دیگران قرار دهد نمی‌هراسد. چراکه می‌داند او همیشه با همین روحیه خلاقیت یک گام از دیگران جلوتر خواهد بود.

حال که با تعریف و ابعاد خلاقیت و تفکر خلاق آشنا شدیم، باید با فرایند شکل‌گیری خلاقیت در ذهن و عمل نیز آشنا شویم.

دانش آموزان کارآفرین



فرایند خلاقیت

فرایند شکل‌گیری و تحقق خلاقیت دارای مراحل مختلفی است.

مرحله اول: حقیقت‌یابی

در این گام فرد نسبت به دو امر مهم اقدام می‌کند:

یک: مشخص کردن دقیق مساله، مشکل یا محدودیتی که باید رفع شود.

دو: جمع‌آوری جامع اطلاعات و امارهای مربوط به مساله.

یادمان باشد که بخشی از اطلاعات از قبل در ذهن ما وجود دارد و برخی را نیز باید از طریق جستجو، مطالعه و پرس و جو باید پیدا کنیم.

برای مثال اگر قرار است یک دانش‌آموز کارآفرین به کسب و کار پدرش رونق ببخشید باید مشخص کند که اولاً مساله دقیقاً چیست؟ که در ارتباط با این مثال، مساله محدودیت دسترسی به مشتریان و همچنین فروش و سود کم واحد کاری است.

در گام دوم نیز باید در ارتباط با این مساله اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند. از جمله باید بفهمد که مشتریان پدرش از چه اقشاری هستند. دلایل عدم دسترسی واحد کاری به مشتریان چیست و ...

مرحله دوم: پالایش

دانش آموزان کارآفرین



یادتان باشد که همیشه جمع‌آوری اطلاعات زیاد به نفع شما نیست و چه بسا درگیر شدن به اطلاعات بیش از حد، باعث سردرگمی و آشفتگی ذهنی‌تان نیز بشود.

از این رو در مرحله دوم باید اطلاعاتی که جمع‌آوری کرده‌اید را مورد ارزیابی قرار داده، موارد اضافی و غیر کارآمد را شناسایی و حذف و موارد مهم را دسته‌بندی کنید.

در ارتباط با مثالی که پیشتر بیان کردیم، مثلاً دانش آموز به اطلاعاتی مثل میزان فروش سالانه واحد کاری پدرش و رقبا احتیاج مبرم دارد اما اطلاعاتی مثل آدرس واحدهای رقیب، میزان سرمایه‌گذاری اولیه آنها و مواردی از این دست خیلی به کار او در طراحی یک فرایند جدید فروش خلاقانه نمی‌آید.

مرحله سوم: ارزیابی و تحلیل

در این مرحله شما باید اطلاعات مهم را مورد بررسی دقیق و مجدد قرار دهید تا بتوانید نظم و روابط علت و معلولی آنها را کشف کنید. برای مثال در ارتباط با دانش‌آموز مثال قبل، وی باید درک کند که آیا هر یک از روش‌های معمول فروش (توسط رقبا) نقشی در میزان موفقیت‌شان و فروش‌شان دارد یا خیر.

در این مرحله شما باید تمام ارتباطات را به صورت دقیق شناسایی و کشف کنید.

مرحله چهارم: طراحی ایده

دانش آموزان کارآفرین



پس از کشف ارتباطات موجود در ارتباط با مساله و داده‌های مربوط به آن، شما باید راه‌هایی را کشف کنید که بتوانید از داشته‌های فعلی برای دستیابی به نتایج مطلوب استفاده کنید.

برای مثال اگر شما با کمبود سرمایه مالی مواجه هستید اما در عین حال محصول تولیدی‌تان از کیفیت بسیار بالایی برخوردار است، باید ایده‌ای را طراحی کنید که بدون نیاز به بودجه زیاد و با تکیه بر کیفیت و دیگر مزایای کاری‌تان، بتواند مشتریان را به سمت شما جذب کند.

مرحله ایده یابی خود شامل مراحل زیر است:

- ایجاد ایده‌ها: تدبیر ایده‌های آزمایشی موقت به عنوان سرخ‌های ممکن

پرورش ایده‌ها: این مرحله با انتخاب مفیدترین ایده‌های حاصل شده و افزودن یا تغییر و ترکیب آنها که منجر به ایجاد ایده‌های جدیدتر و کامل‌تر می‌شود، انجام می‌گیرد.

مرحله ۵: راه‌حل یابی

این مرحله شامل دو گام زیر است:

- ارزشیابی فرد: فرد از این طریق بهترین ایده‌های تولید شده را انتخاب می‌کند.

دانش آموزان کارآفرین



- گزینش: انتخاب راه‌حل نهایی از میان ایده‌های گزینش شده و پیاده‌سازی آن

مرحله ۶: دریافت بازخوردها

پس از پیاده‌سازی شما با نظرات مختلفی در ارتباط با ایده‌تان مواجه شده و خود نیز در عمل کمبودها و کاستی‌هایی را شناسایی می‌کنید. در این مرحله شما ضمن دریافت این بازخوردها باید اصلاحات لازم را نیز انجام دهید.

ویژگی‌های افراد خلاق

افرادی که خلاقیت خوبی از خود بروز می‌دهند، اغلب دارای ویژگی‌های مشترک و برجسته‌ای هستند. آشنا شدن با این ویژگی‌ها، به شما کمک می‌کند با تقویت آنها، قدرت و توان خلاقیت و ابتکار را در خود ایجاد کنید.

در واقع ویژگی‌هایی که در ادامه معرفی می‌شوند، همگی اکتسابی و قابل تقویت هستند و از این رو شما می‌توانید با ایجاد و تقویت آنها در خود، به فردی خلاق و آفریننده تبدیل شوید.

۱- هوش پرورش یافته:

بسیاری تصور می‌کنند هوش دریافتی یا آی‌کیو، عامل و ضامن موفقیت افراد است. اما این اصلاً مطلب درستی نیست. اجازه دهید رازی را با شما در میان بگذارم، اغلب مردم (غیر از افراد عقب افتاده یا کسانی که معولیت‌های ذهنی دارند) از میزان مطلوبی از هوش برخوردار هستند.

دانش آموزان کارآفرین



اما این هوش مطلوب به تنهایی اصلاً برای کسب موفقیت‌های بزرگ کافی نیست و از این رو عمده مردم به جای تبدیل شدن به یک انسان خلاق، به فردی معمولی تبدیل می‌شوند که در زندگی به دستاوردهای شگرفی دست نمی‌یابد.

تفاوت افراد موفق با افراد معمولی در این است که آنها از طریق آزمون فعالیت‌های مختلف و تمرین و ممارست هوش خود را پرورش می‌دهند. اما افراد معمولی ذهن خود را بلا استفاده رها کرده و به داشته‌های فعلی خود بسنده می‌کنند.

مشهور است که وقتی ابن سینا (پزشک، فیلسوف و نظریه‌پرداز بزرگ ایرانی) کودک بود، پدرش همیشه از او می‌خواست مسایل هندسه را حل کند. این کار با این هدف انجام می‌شد که وی بتواند هوش خود را پرورش دهد.

البته این شیوه هم کافی نیست. تقویت و پرورش هوش مستلزم آن است که شما در امور و فعالیت‌های مختلف ورود پیدا کرده و توان ذهنی خود را به آزمون بگذارید. اتفاقاً خود کارآفرینی به شما کمک می‌کند از مسیر تجربه کردن امور مختلف هوش خود را پرورش دهید.

پرهیز از دُگم بودن و انجماد فکری:

اغلب افراد در هر مرحله از زندگی تصور می‌کنند ذهنیت‌ها و باورهای‌شان درست مطلق است و از این رو اگر کسی افکارشان یا باورهای‌شان را زیر سوال ببرد، به

دانش آموزان کارآفرین



شدت عصبانی شده و حتی گهگاه با خشم و توهین با طرف دیگر مواجه می-شوند.

پر واضح است که خودشان نیز هیچ گاه به این برداشتها و افکار شک نمی کنند و تلاشی نیز برای بهبود شیوه تفکر خود انجام نمی دهند.

این در حالی است که همه ما وقتی سن مان بالاتر می رود، نه تنها تفکرمان نیز (به واسطه تجربیات) تغییر می کند، بلکه گهگاه به باورها و افکار سنین قبل مان می خندیم و آنها را مورد تمسخر قرار می دهیم.

اما افراد کارآفرین و خلاق، ضمن اینکه همیشه بر اساس دانش به روزرسانی شده شان تصمیم گیری می کنند، همیشه این احتمال را نیز مد نظر دارند که ممکن است در آینده متوجه شوند افکار و باورهایشان غلط بوده و یا نیاز به اصلاح داشته است.

از این رو اگر می خواهید مثل یک فرد خلاق باشید باید از انجماد فکری رهایی یابید و باور کنید که همیشه نیازمند کسب دانش هستید و با کسب دانش و تجربه بیشتر، می توانید افکار و باورهای بهتری را جایگزین برخی از افکار و باورهای ناکارآمد فعلی کنید.

جامع اندیشی:

افراد خلاق می توانند در آن واحد به مسایل و حوزه های مختلفی فکر کنند و از این رو قادر هستند به واسطه کمک کردن از حوزه ها و افکار مختلف، یک ایده خوب را طراحی کنند.

دانش آموزان کارآفرین



این در حالی است که افراد غیر اخلاق معمولاً رو یک فکر، یک حوزه یا یک ابزار متمرکز شده و نمی‌توانند همزمان به مسایل و پدیده‌های مختلف فکر کنند.

جالب است بدانید که ریاضی محض (نه ریاضی کاربردی که شما در دوران دبیرستان با آن سر و کار دارید) به شدت به شما در جامع اندیشی و تفکر همزمان به مسایل مختلف و یافتن ارتباطات سازنده بین آنها کمک می‌کند.

تفکر پویا:

افراد خلاق حتی وقتی در ماشین در حال رفتن به محل کار خود یا مدرسه هستند، حتی وقتی می‌خواهند بخوابند و حتی وقتی در حال گردش و تفریح هستند، ذهن‌شان در حال تحرک و تلاش برای یافتن ایده‌های جدید است.

آنها این قدرت را دارند که در کنار انجام فعالیت‌های معمول، همزمان به مسایل خاص خود نیز فکر کنند و بدین واسطه ذهن‌شان مدام طرح‌ها و ایده‌های مختلفی را یافته و بی‌سر و صدا مورد بررسی قرار می‌دهد.

جالب است بدانید که بسیاری از نویسندگان خلاق اذعان می‌کنند که بهترین ایده‌های داستان‌نویسی‌شان را در هنگام خواب‌آلودگی و زمانی که خود را برای استراحت آماده می‌کرده‌اند به دست آورده‌اند.

دانش آموزان کارآفرین



ابتکار:

افراد خلاق این قدرت را دارند که به جای متمرکز شدن به روش‌های سنتی و معمول، مدام روش‌های خلاق و ساختار شکن را در ذهن خویش مورد بررسی قرار دهند.

آنها هرگز حاضر نیستند ذهن قدرتمند خود را به روش‌های فعلی محدود کنند و همیشه روش‌های خلاقانه‌ای را در ذهن خود طراحی می‌کنند. اگرچه ممکن است برخی از این روش‌های کشف شده خنده‌دار و غیر کارآمد باشد، اما همیشه این احتمال وجود دارد که تکرار این فرایند آنها را به روش‌های بسیار کارآمدی رهنمون سازد.

استقلال فکری:

افراد خلاق از نظر ذهنی دوست ندارند پیرو و تابع دیگران باشند. آنها همیشه باور دارند که می‌توانند با خلاقیت خود، افکار، نظریات و ایده‌های جدیدی را طرح کنند که به دیگران ثابت می‌کند هنوز جا برای یادگیری و تغییر زیادی دارند.

آنها از اینکه ایده‌های جدید خود را مطرح کرده و به بوته آزمایش بگذارند نمی‌ترسند. از اینکه دیگران آنها را مورد تمسخر قرار ندهند نمی‌ترسند. چراکه می‌دانند در نهایت با سخت‌کوشی و ابتکار می‌توانند شایستگی بالای خود را به اثبات برسانند.

دانش آموزان کارآفرین



اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری:

افراد خلاق به خودشان و توانایی‌های شگرف ذهنی‌شان ایمان دارند و از این رو از اینکه به صورت هوشمندانه ریسک کنند و نظریات خلاقانه خویش را مورد آزمایش قرار دهند نمی‌ترسند.

آنها حتی وقتی شکست می‌خورند، به جای سرزنش خود، به دنبال اشتباهات‌شان می‌گردند تا با اصلاح این اشتباهات عملکرد بهتر و مطلوب‌تری را ارایه کرده و به موفقیت‌های بزرگتری نیز دست یابند.

بلندپروازی معقول:

افراد خلاق اگرچه به خوبی از داشته‌های فعلی خود بهره می‌گیرند و لذت می‌برند اما می‌دانند که همیشه جا برای پیشرفت بیشتر نیز برای‌شان باقی است. از این رو آنها همیشه به دنبال کسب موفقیت‌های بزرگتر هستند و خود را در مسیر پیشرفت قرار می‌دهند.

یادتان باشد که بلندپروازی آنها معقول است. بدین معنا که دستیابی به چیزهای بهتر، را بهانه‌ای برای عدم لذت بردن از داشته‌های فعلی و استفاده از شرایط کنونی برای کسب نتایج مطلوب قرار نمی‌دهند.